



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و هجدهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

زمستان ۱۴۰۳

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۳۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره گزارش: ۱۴۰۳/۱۲/۹۶/۱۱۸/۱	شناسه گزارش
عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی* یکصد و هجدهمین جلسه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۶	
واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، شورای فقهی، حسابداری اسلامی، صندوق‌های قرض الحسنه.	
تاریخ انتشار گزارش: زمستان ۱۴۰۳	

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

- اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۴
- مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع اول: «بررسی دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت، نظارت و انحلال صندوق‌های قرض‌الحسنه»..... ۵
- مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دوم: «بررسی موضوع حسابداری اسلامی از منظر تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی»..... ۱۰

اسامی حاضرین در جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۳. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین باقری بنایی (عضو شورای فقهی)
۵. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۶. آقای دکتر فرشاد محمدپور (معاون تنظیم گری و نظارت بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر سجاد افشار (معاون حقوقی و امور مجلس بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۱۰. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)
۱۱. آقای دکتر حجت اسماعیل زاده (رئیس مرکز نظارت بانک مرکزی)
۱۲. آقای دکتر حسین میثمی (دبیر شورای فقهی و مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی بانک مرکزی)
۱۳. آقای محمد حسین منصوری (رئیس گروه اداره تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی بانک مرکزی)
۱۴. آقای علیرضا رامروز (کارشناس امور حسابداری)
۱۵. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۶. آقای محمد حسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۷. آقای علی نظری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۸. آقای مهدی شهبازی‌فرد (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۹. آقای کوروش بروچی (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۰. خانم مریم بیدخوری (محقق اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقای دکتر محمدپور در این جلسه حضور نداشتند.

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع اول: «بررسی دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت، نظارت و

انحلال صندوق‌های قرض‌الحسنه»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: دستورالعمل اجرایی صندوق‌های قرض‌الحسنه برای تصویب نهایی به هیئت عالی ارسال شده است. همکاران اداره مطالعات در مورد این موضوع از ما سؤالاتی داشتند که آیا نیاز است شورای فقهی این دستورالعمل را تصویب کند یا خیر؟ به هر حال، این دستورالعمل در مسیر تصویب و ابلاغ قرار دارد و بررسی‌هایی روی مواد قانونی صورت گرفته است. به ویژه مواد (۸) و (۱۰) که به بحث «مازاد کارمزد» برای افزایش سرمایه صندوق مربوط می‌شود و همچنین، ماده (۲۹) بند ۷ که به منابع موقوفات اشاره دارد، دارای ابعاد فقهی می‌باشند.

ابوالحسنی: به دلیل اهمیت موضوع قرض‌الحسنه، در سال ۱۴۰۱ مصوبه شورای پول و اعتبار برای صندوق‌های قرض‌الحسنه تک‌شعبه‌ای صادر شد که در حال اجرا است. با این حال، بسیاری از این صندوق‌ها تک‌شعبه‌ای نیستند و در اندازه‌های مختلف از کوچک تا بزرگ قرار دارند. بنابراین، نمی‌توان همه آنها را با یک استاندارد ارزیابی کرد.

از یک سو، به نظر بنده گسترش قرض‌الحسنه ضروری است، زیرا می‌تواند به افزایش فراگیری مالی کمک کند. بانک‌ها در حال توسعه تخصصی خود هستند، اما قرض‌الحسنه هم سنتی است و هم می‌تواند به کمک افراد نیازمند بیاید. به تدریج ممکن است برخی از قرض‌الحسنه‌های بزرگ به بانک تبدیل شوند. در حال حاضر دو بانک قرض‌الحسنه داریم و ممکن است به سه یا چهار بانک برسیم. این موضوعات را در کارگروه‌های شورای فقهی بررسی خواهیم کرد تا ابعاد آن را بهتر درک کنیم و نظارت‌های لازم را انجام دهیم.

در حال حاضر، در کشور حدود ۳۵۰۰ صندوق قرض‌الحسنه ثبت شده، وجود دارد که در سه دسته کوچک، متوسط و بزرگ قرار می‌گیرند. این تعداد تنها شامل صندوق‌های ثبت شده است و اگر به صندوق‌های خانگی نیز توجه کنیم، این عدد به مراتب بیشتر خواهد بود. موضوعاتی که باید مورد توجه قرار گیرند شامل نحوه دریافت مجوز، مراجع صدور آن، فرآیند تأسیس و انحلال و همچنین انتصاب مدیران مرتبط است. این مسائل به جنبه‌های ساختاری و شکلی مربوط می‌شوند. همچنین، نظارت بر این موارد از اهمیت بالایی برخوردار است.

در جلسات مرتبط با قرض‌الحسنه، این موضوع که آیا خودمان نظارت کنیم یا از نهادهای دیگر کمک بگیریم، مطرح گردید. این موضوع در مقایسه با آنچه که قبلاً ارائه شده و آنچه که اخیراً به هیئت عالی ارسال شده، اهمیت دارد. اگر در رابطه با این دستورالعمل نکات شرعی وجود داشته باشد، باید آن را به هیئت عالی ارائه دهیم تا تصویب شود و سپس بتوانیم به اشکالات اشاره کنیم. اگر نظری دارید، بیان کنید تا آنها را در نظر بگیریم.

عرب‌مازار: نکته اصلی این است که در جلسات گذشته شورای فقهی جمع‌بندی شد که اگر تسهیلات قرض‌الحسنه با کارمزد دو درصد ارائه شود، درست نیست. با این حال، آنها این موضوع را پذیرفته‌اند. قرض‌الحسنه در پایان سال، نسبت به

هزینه‌های خود مازادی دارد و باید بداند که این مازاد را چه کند. در شورای فقهی بحث شد که با توجه به عرف جامعه ایرانی، دو درصد زیاد به حساب نمی‌آید و بنابراین این مبلغ متعلق به صندوق است.

نظری: طبق ماده (۸)، سرمایه اولیه صندوق باید به صورت نقدی توسط مؤسسين تأمین گردد. پس از واريز آورده مؤسسين به حساب صندوق، این وجوه از تملك آنها خارج شده و به صندوق تعلق می‌گیرد. مازاد غيرقابل تخصيص صندوق نیز متعلق به خود صندوق است و می‌تواند پس از طی مراحل قانونی برای افزایش سرمایه صندوق مورد استفاده قرار گیرد. کسری سالانه صندوق می‌تواند از محل مازاد غيرقابل تخصيص سال‌های گذشته یا از سرمایه صندوق تأمین شود.

مصباحی مقدم: کارمزد یک موضوع عرفی است و نظر امام رضوان الله علیه نیز بر همین اساس بوده است. ایشان تأکید دارند که کارمزد باید به معنای مزد کار باشد. به عبارت دیگر، هزینه خدمت باید به عنوان یک امر عرفی و عقلایی در نظر گرفته شود. بنده از شما سوال می‌کنم: اگر شما کارگری را استخدام کنید که با ده میلیون تومان در ماه بتواند هزینه‌های زندگی خود، از جمله خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین کند، آیا این موضوع را تأیید می‌کنید؟ به وی ده میلیون تومان پرداخت می‌کنیم، زیرا این مبلغ مطابق با عرف قیمت کار او در بازار است. این پرداخت به عنوان مزد کار او باید با هزینه‌های واقعی همخوانی داشته باشد.

مبلغی به مشتری به عنوان قرض الحسنه پرداخت می‌کنیم و در این مورد، نباید مبلغی مازاد بر مزد کار از او دریافت کنیم، زیرا قرض الحسنه به او داده می‌شود و خدماتی که صندوق ارائه می‌دهد، هزینه‌هایی دارد که ما آنها را محاسبه و پیش‌بینی می‌کنیم. وقتی می‌گوییم پیش‌بینی می‌کنیم، منظور این است که فعالیت‌های ما در بازار ارزشی دارد که در ازای آن مبلغی دریافت می‌شود. اگر مبلغی اضافه بیاید، این به معنای آن نیست که متعلق به شخص دیگری است و باید برگردانده شود.

ابوالحسنی: فرض کنید که یک صندوق دارای ۱۰ نفر سپرده‌گذار و ۱۰ نفر تسهیلات‌گیرنده است. برای اینکه بتوانیم به این تسهیلات‌گیرندگان خدمات ارائه دهیم و شرایطی فراهم کنیم که آنها بتوانند پول خود را دریافت کنند، نیاز داریم که پرونده‌ای برای آنها تشکیل دهیم و اعتبارسنجی انجام دهیم. زیرا ممکن است برخی از این افراد پول‌ها را ببرند و برنگردانند. برای این کار، سه کارمند استخدام کرده‌ام و همچنین، هزینه‌های اجاره مکان نیز داریم. بنابراین، برای تأمین این هزینه‌ها، از تسهیلات‌گیرندگان کارمزد دریافت می‌کنم. حالا فرض کنید که در پایان سال، کارمندان بنده اعلام کنند که با وجود اینکه حق و حقوقشان به درستی پرداخت شده، چون این یک صندوق قرض الحسنه است، نمی‌خواهند کارمزد بگیرند. در این صورت، بنده با مازاد مالی مواجه می‌شوم و باید تصمیم بگیرم که آیا باید دوباره به تسهیلات‌گیرندگان مراجعه کنم و پول‌ها را برگردانم یا خیر.

اسلامیان: در حال حاضر، صندوق به عنوان یک شخصیت حقوقی با مازادی بر درآمد مواجه شده است. گفتیم که نمی‌توان این مازاد را به سهامدار، یعنی کسی که در ابتدا سرمایه‌گذاری کرده، واگذار کرد. صندوق باید این منابع را در مرحله

بعدی به تسهیلات‌گیرندگان جدید اختصاص دهد. در این مثال، تفاوت در این است که در مورد کارمندان، حق آنها برای دریافت حقوق مشخص است و مثلاً سه نفر از آنها باید ماهانه سی میلیون تومان حقوق بگیرند.

افشار: ایراد مطرح شده این است که صرف نظر از محتوای موضوع، راه حل را در مصالحه می‌بیند. به این معنا که در حال حاضر، هر آنچه به عنوان دستورالعمل از سوی بانک مرکزی و حاکمیت وجود دارد، به نوعی به عنوان یک شرط ضمنی در قرارداد بین طرفین لحاظ شده است. این موضوع اساساً بر مبنای مواد این دستورالعمل است و به نوعی در آن مستتر است. بنابراین، صرف وجود یک مورد در دستورالعمل به معنای ذکر آن در قرارداد است و نیازی به تصریح ندارد. یعنی ذکر یک موضوع در مقررات بانک مرکزی کافی بوده و لازم نیست عیناً همان بحث در قرارداد میان صندوق و مشتری تکرار گردد.

ابوالحسنی: این موضوع به این شرط است که در قراردادهای بین صندوق و تسهیلات‌گیرنده، مصالحه‌ای صورت گیرد.

رضایی: ممکن است اینگونه پاسخ داده شود که ربا به طور مسلم در قراردادهای قرض حرام است. فردی که قرض می‌گیرد، هنگام بازپرداخت تنها باید به اندازه هزینه‌ای که وجود دارد، پرداخت کند. در واقع هزینه‌ها ممکن است ۱۰۰ واحد باشد، اما ما تصور می‌کردیم که ۱۱۰ واحد است.

مصباحی مقدم: نباید این بحث‌ها و تدابیر باعث شود که صندوق‌های قرض‌الحسنه تشویق به دریافت کارمزد مازاد شوند و بگویند که با مصالحه این موضوع را حل می‌کنیم.

اسماعیل زاده: اشاره کرده بودیم این کارمزد مازاد متعلق به صندوق قرض‌الحسنه است. به هر حال، در این زمینه مطرح کردیم که اگر این مازاد نیاز به صلح و موارد مشابه داشته باشد، باید در قراردادها مشخص شود. ما به صراحت این موضوع را ذکر نکرده بودیم، زیرا وقتی می‌گوییم این مازاد متعلق به صندوق است، باید مشخص شود که اگر نیاز به صلح و موارد این‌چنینی وجود داشته باشد، در قراردادها قید شود. این موضوع می‌تواند منجر به بروز ایراداتی گردد، به ویژه اگر در آینده با مشکلاتی مواجه شویم.

در نهایت، این سوال پیش می‌آید که چه کسی باید ثابت کند که این کارمزد غیرقابل پیش‌بینی نبوده است. بنده خواهش می‌کنم که اگر ممکن است، این موضوع به همان شکل قبلی باقی بماند و اگر دوستان نگرانی فقهی دارند، موضوع صلح در قالب قرارداد مورد توجه قرار گیرد.

ابوالحسنی: اگر بخواهیم این نکته را نیز مدنظر قرار دهیم، در جایی که گفته شده «پس از طی مراحل قانونی»، به این معناست که باید مراحل قانونی و شرعی را رعایت کرد. یعنی اگر نیاز به مصالحه وجود دارد، باید آن بخش که نیاز به مصالحه دارد، مورد توجه قرار گیرد.

مصباحی مقدم: صندوق باید مجوزی داشته باشد که به موجب آن بتواند بخشی از منابع خود را در زمینه‌های دیگر سرمایه‌گذاری کند و از این طریق درآمد کسب کند. اگر صندوق مجوز قانونی دریافت کند، می‌تواند تا ۱۰ درصد از منابع خود را برای سرمایه‌گذاری و پوشش هزینه‌ها به کار گیرد. این درآمد به مشتریان مربوط نمی‌شود، زیرا مشتری فقط پول

خود را به بانک قرض داده است. در اینجا، ما در مورد کارمزد قرض الحسنه صحبت می‌کنیم که باید به اندازه هزینه‌های عملیاتی باشد. بنابراین، کارمزد قرض الحسنه اعطایی باید حداکثر برابر با هزینه تمام شده باشد.

اسماعیل زاده: ماده (۸) قانون بانک مرکزی به وضوح بیان کرده است که کارمزدها باید توسط بانک مرکزی تعیین شوند و حداکثر کارمزد نیز بر اساس هزینه تسهیلات مشخص می‌شود. این ماده به صراحت اشاره دارد که کارمزد باید برابر با هزینه واقعی پرداخت تسهیلات باشد. بنابراین، زمانی که بانک مرکزی کارمزد را تعیین می‌کند، موظف است که به ماده (۸) قانون بانک مرکزی توجه کند که در آن تصریح شده کارمزد باید معادل هزینه‌های مربوط به تسهیلات باشد.

رضایی: بانک مرکزی تمامی قرض الحسنه‌ها را که مثلاً در گنبد، سیستان و اهواز وجود دارند، بررسی می‌کند و نمی‌تواند برای هر یک به صورت جداگانه تصمیم‌گیری کند، بلکه باید نسبت‌ها را در نظر بگیرد.

میثمی: موضوع بعدی که در نظر داریم، ماده (۲۹) فصل موقوفات و وصایا است. شورای فقهی هنوز به جمع‌بندی در مورد وقف پول نرسیده و بحث‌های مفصلی در این زمینه انجام شده است. به نظر بنده، درآمدهایی که از موقوفات به دست می‌آید، تابع احکام وقف هستند. در تبصره یک، اشاره شده که صندوق مجاز است بخشی از مازاد غیرقابل تخصیص را به امور خیریه اختصاص دهد، که با استانداردهای بین‌المللی همخوانی دارد. اما در هر صورت، این موضوع نیاز به تصمیم‌گیری دارد و هیچ ملاحظه کارشناسی در این زمینه وجود ندارد.

مصباحی مقدم: کمک به امور خیریه مجاز است.

اسماعیل زاده: صندوق مجاز است در صورتی که مازاد غیرقابل تخصیص داشته باشد و همچنین تکالیف مربوط به افزایش سرمایه را انجام داده باشد، با شرایطی که دو سوم اعضای هیئت مدیره آن را تأیید کنند، تا سقف ۱۰ درصد یا یک دهم از مازاد غیرقابل تخصیص را صرف امور خیریه کند.

میثمی: طبق ماده (۳۱)، صندوق موظف است به منظور مدیریت ریسک نقدینگی، حداقل ۵ درصد از منابع خود را به صورت سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در مؤسسات اعتباری نگهداری کند. در ماده (۳۷)، اشاره شده که مشروط کردن اعطای قرض الحسنه به سپرده‌گذاری ممنوع است. صندوق می‌تواند بدون نیاز به تعهد و قرارداد با سپرده‌گذاران، برای استفاده از قرض الحسنه، حق تقدم قائل شود. این موضوع قبلاً در مصوبه شورای فقهی در بحث سپرده امتیازی مطرح شده است، اما ما تأکید کردیم که باید به اطلاع افرادی که در مجموعه هستند برسد. متأسفانه بانک‌ها این مصوبه را اجرا نکرده و پیامکی به سپرده‌گذاران ارسال نمی‌کنند و بهانه می‌آورند که منابع خارج می‌شود.

ابوالحسنی: این سپرده امتیازی مشکلاتی ایجاد کرده و به نظر می‌رسد که اطلاع‌رسانی صندوق‌های قرض الحسنه از نظر شرعی با چالش‌هایی همراه است.

اسلامیان: در این صندوق‌های قرض‌الحسنه، افراد پول خود را به صندوق می‌سپارند، زیرا برخی از افراد به این سیستم اعتماد دارند و به اصطلاح، پول خود را در این صندوق‌ها قرار می‌دهند تا به دیگران قرض داده شود. در واقع، این پول به صندوق منتقل می‌شود و صندوق به عنوان مالک آن، اقدام به قرض دادن می‌کند.

مصباحی مقدم: در اینجا ما به قوانین بانک‌ها اشاره داریم. آنچه در بانک‌ها وجود دارد، بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا است. در این راستا، دو نوع حساب داریم: حساب پس‌انداز و حساب جاری. هر دو این حساب‌ها به عنوان قرض‌الحسنه به بانک شناخته می‌شوند. بنابراین، بانک مالک این وجوه است و می‌تواند هرگونه تصرفی در آنها انجام دهد. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا فرض بر این است که افرادی که به صندوق‌ها پول می‌سپارند، به بانک قرض می‌دهند یا اینکه به بانک وکالت می‌دهند تا پول آنها را به عنوان قرض به دیگران اعطا کند؟

ابوالحسنی: بر اساس ماده (۲۹)، منابع قرض‌الحسنه به دو دسته تقسیم می‌شود: یک دسته وجوه اداره شده و دسته دیگر شامل هفت یا هشت مورد دیگر است. طبق ماده (۳۳)، حداکثر مبلغ قرض‌الحسنه‌ای که می‌تواند به هر شخص از محل وجوه اداره شده توسط صندوق پرداخت شود، برابر با حداکثر مبلغ قابل پرداخت قرض‌الحسنه توسط همان صندوق است. به عبارت دیگر، چه وجوه باشد و چه سپرده، در نهایت به صندوق داده می‌شود و صندوق مالک آن می‌گردد. اما برای وجوه اداره شده، مقررات خاصی تعیین کرده‌ایم که مشخص می‌کند در صورت درخواست مشتری، چه مقدار و چگونه باید پرداخت شود. در غیر این صورت، اگر صندوق بخواهد به طور دلخواه عمل کند، ممکن است با مشکلاتی مواجه شود.

اسماعیل زاده: یکی از صندوق‌های قرض‌الحسنه که عمدتاً از وجوه اداره شده تأمین می‌شود، دارای دستورالعمل خاصی برای وجوه اداره شده است. این دستورالعمل به وضوح نحوه مصرف و جامعه هدف را مشخص می‌کند، به عنوان مثال، برای تحصیلات یا ازدواج جوانان.

اسلامیان: این موضوع کارمزد مازاد به قرارداد بین صندوق قرض‌الحسنه و مشتری بستگی دارد.

اسماعیل زاده: در بانک مرکزی، دستورالعمل مشخص و جداگانه‌ای برای وجوه اداره شده وجود دارد. صندوق‌ها مجاز نیستند از محل وجوه اداره شده، بیش از سقف مشخصی سرمایه‌گذاری کنند و اگر صندوقی این کار را انجام دهد، تخلف محسوب می‌شود.

مصباحی مقدم: لازم است نکات مطرح شده توسط دبیرخانه پیگیری شود.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور دوم: «بررسی موضوع حسابداری اسلامی از منظر تدوین

رویه‌های حسابداری و حسابرسی»

میثمی: دستور بعدی، موضوع حسابداری اسلامی از منظر تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی است. آقای رامروز در این رابطه ارائه خواهند داد.

رامروز: از دیدگاه حسابداری، زمانی که تجهیز منابع را از طریق وکالت انجام می‌دهیم، این موضوع به عنوان بدهی محسوب می‌شود و بنابراین در بخش بدهی‌ها ثبت می‌گردد. از منظر عرفی، دو سوال مطرح می‌شود: آیا وجوه دریافتی بر اساس وکالت، مضاربه یا مشارکت تحت کنترل بانک قرار دارد یا خیر؟ اگر این وجوه تحت کنترل بانک باشد، به عنوان حقوق مالکانه شناخته می‌شود و این موضوع به عناصر حسابداری اضافه می‌گردد. در حسابداری متعارف، چنین عنصری وجود ندارد و پاسخگویی به این موضوع دشوار است. در اینجا، تنها چیزی که می‌تواند مطرح شود، بدهی است و اگر کنترل وجود نداشته باشد، به اصطلاح می‌گویند که تحت مدیریت بانک است. در صورتی که تحت مدیریت باشد، یک مفهوم اضافی به نام «دارایی‌های تحت مدیریت خارج از ترازنامه» به وجود می‌آید که در حسابداری متعارف وجود ندارد. به همین دلیل، آوفی دو استاندارد مجزا برای هر یک از این موارد تهیه و منتشر کرده است: یکی برای شبه حقوق مالکانه (استاندارد ۴۵) و دیگری برای منابع تحت مدیریت خارج از ترازنامه (استاندارد ۴۶).

در حال حاضر، کنترل به عنوان یک مفهوم تعریف شده است، هرچند که از واژه قضاوت نیز استفاده شده است. این تعریف به ما کمک می‌کند تا مشخص کنیم که چه زمانی منابع و وجوهی که در اختیار داریم، تحت کنترل قرار می‌گیرند. اگر این کنترل وجود نداشته باشد، به مدیریت ما مربوط می‌شود. در اینجا تفاوت‌ها را برای شما توضیح می‌دهم.

از منظر استانداردهای IFRS، عناصر صورت‌های مالی شامل دارایی‌ها، حقوق مالکان و هزینه‌ها هستند. اما در استانداردهای آوفی، دو عنصر جدید اضافه شده است که به دلیل نیازهای شرعی و کسری‌های موجود، به رسمیت شناخته شده‌اند. این استانداردها همچنین، دارایی‌های تحت مدیریت خارج از ترازنامه را تعریف کرده‌اند و به دو حالت کنترل یا مدیریت اشاره دارند که این موضوع باعث تفاوت در حسابداری می‌شود. در چهارچوب نظری، عنصرها به سه شرط تعریف شده‌اند که برخی از ویژگی‌های حقوق مالکانه را دارند، اما به طور کامل شامل حقوق مالکانه نمی‌شوند. به عنوان مثال، اگر خسارتی وارد شود و این خسارت ناشی از قصور و اهمال عمدی نباشد، مؤسسه مسئولیتی ندارد. همچنین، این عناصر حق رأی ندارند و اگر فردی سرمایه‌ای در مؤسسه قرار دهد، به عنوان سهامدار شناخته نمی‌شود. از نظر حسابداری، نیاز به تعریف یک عنصر جدید برای این موارد وجود دارد. برای نمونه، قبلاً به حساب سرمایه‌گذاری مبتنی بر مضاربه اشاره شده بود که البته محدود به آن نیست و مشارکت را نیز شامل می‌شود. حالا یک عنصر جدید نیز معرفی شده که به بازار سرمایه مرتبط است. این عناصر به عنوان حقوق مالکانه محسوب نمی‌شوند و تحت مدیریت و کنترل نیستند، بنابراین به عنوان دارایی‌های تحت مدیریت خارج از ترازنامه شناخته می‌شوند.

زمانی که یک عنصر جدید به حسابداری اضافه می‌شود، افشای گزارش‌ها تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، اکنون از نظر آوofi، یک صورت مالی وجود دارد که شامل تغییرات در دارایی‌های تحت مدیریت خارج از ترازنامه است و این اطلاعات در ترازنامه درج نمی‌شود. وقتی به صورت‌های مالی بانک‌ها نگاه می‌کنم، می‌بینم که در ترازنامه، جمع کل را ذکر می‌کنند، اما جزئیات مربوط به این دارایی‌ها را در ترازنامه نمی‌آورند. بنابراین، یک صورت مالی جداگانه ارائه می‌دهند تا نشان دهند که شما که پول خود را به صورت وکالت، مضاربه و مشارکت محدود در اختیار آنها قرار داده‌اید، چه مقدار پول به دست آمده و با آن چه اقداماتی انجام شده است.

اگر یک عنصر تحت کنترل باشد، به عنوان حقوق مالکانه شناخته می‌شود، به این معنا که عنصری جدید به عناصر حسابداری اضافه می‌شود. حسابداری متعارف چنین عنصری را ندارد و در این زمینه سکوت کرده است و نمی‌تواند چیزی غیر از بدهی را ارائه دهد. اگر کنترل وجود نداشته باشد، به اصطلاح می‌گویند که تحت مدیریت بانک است و در این صورت تحت کنترل بانک نیست. اما اگر تحت مدیریت باشد، یک عنصر جدید به نام دارایی‌های تحت مدیریت خارج از ترازنامه به حساب می‌آید که در حسابداری متعارف وجود ندارد.

این موضوع باید از دو جنبه بررسی شود: تأثیر آن بر اقتصاد و جنبه‌های فقهی. لازم است که بومی‌سازی لازم انجام شود و صرفاً به ترجمه استاندارد آوofi اکتفا نشود. متن استاندارد نشان‌دهنده چهارچوب نظری است که با توجه به شرایط اقتصادی و مسائل فقهی، ممکن است ملاحظات را در بر داشته باشد. نکته بسیار مهمی که در اینجا مطرح شده، تأکید بر مطالبی است که بر اساس اهمیت آن، بلافاصله پس از چهارچوب و هدف، در چهارچوب نظری قرار می‌گیرد. در هر موردی که اختلافی بین استاندارد حسابداری و استاندارد شریعت به وجود آید، باید استاندارد شریعت به عنوان معیار اصلی در نظر گرفته شود.

باید مقدمه‌ای در نظر گرفته شود که استانداردهای شرعی را در چهارچوب نظری حسابداری لحاظ کند. در واقع، حسابداری باید از ملاحظات اقتصادی و شرعی نشأت بگیرد و این دو عنصر نمی‌توانند از یکدیگر جدا باشند.

بنده به عنوان یک حسابدار در این بحث تخصصی، برخی نکات کلیدی را مطرح می‌کنم. اولاً، حسابداری باید بر اساس اصول اقتصادی و شرعی عمل کند. بنابراین، رعایت استانداردهای شرعی از اهمیت بالایی برخوردار است و باید به دقت اجرا شود. در بخش‌های مختلف استاندارد حسابداری آوofi، اهمیت شریعت به وضوح بیان شده است. به عنوان مثال، در بند ۱۵۲ چهارچوب، به این موضوع اشاره شده که ما ذینفعانی داریم که باید مطابق با اصول شرعی عمل کنند. بنابراین، باید گزارش‌های مالی و اطلاعات مورد نیاز را به درستی ارائه دهیم. در اینجا دیگر به جزئیات صورت‌های مالی نمی‌پردازم. به عنوان مثال، در صورت‌های مالی با اهداف عمومی، در بند الف اشاره شده است که این صورت‌ها باید به استفاده‌کنندگان این امکان را بدهند که سطح رعایت قواعد و احکام شریعت و مقررات مؤسسات را تعیین کنند. به عبارت دیگر، هدف اصلی صورت‌های مالی این است که به استفاده‌کنندگان کمک کنند تا بتوانند میزان رعایت اصول و احکام شرعی را ارزیابی نمایند. این موضوع فراتر از صرف نظارت شرعی است و در واقع، حسابداری باید به این جنبه‌ها توجه کند. البته، موضوع زکات نیز وجود دارد که در اینجا به آن پرداخته نمی‌شود.

مصباحی مقدم: روایات ما نیز نشان می‌دهند که زکات به طور دقیق در کنار نماز قرار دارد. آیات شریف قرآن و روایات بیان می‌کنند که اگر کسی نماز بخواند و نام خدا را ذکر نکند، نماز او پذیرفته نخواهد شد. همچنین، روایت داریم که پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد به چند نفر فرمودند: «شما که زکات خود را ندادید، از مسجد خارج شوید.» بنابراین، زکات و نماز به طور جدایی‌ناپذیری مرتبط هستند و نمی‌توان گفت که کسی مسلمان است و نماز می‌خواند، اما زکات نمی‌دهد.

رامروز: همان‌طور که آقای دکتر میثمی اشاره کردند، در مورد سرمایه‌گذاری‌های محدود و نامحدود، صورت مالی جدیدی اضافه می‌شود. این صورت مالی شامل اطلاعاتی درباره قرض‌الحسنه‌هایی است که دریافت کرده‌ایم و نحوه استفاده از آنها. به عنوان یک استفاده‌کننده متعهد به شریعت، بانک اسلامی باید گزارشی ارائه دهد که شامل وجوه خیریه و زکات نیز می‌شود. از منظر فقه امامیه خمس نیز به عنوان بخشی از فعالیت‌های خیریه محسوب شده و نیازمند افشا است. لازم به ذکر است که اگر بخواهیم حسابداری و حسابرسی شرعی داشته باشیم، باید ابتدا به رهنمودهای آوفا در حوزه شریعت توجه کنیم. پس از آن، نیاز داریم که یک چهارچوب نظری بر اساس استانداردهای شریعت داشته باشیم که در حال حاضر وجود ندارد. بانک مرکزی به عنوان یکی از نهادهای اصلی متولی اقتصاد می‌تواند در این زمینه وارد عمل شود.

اگر بتوانیم در هیئت‌های مختلف حسابداری و حسابرسی، نمایندگانی داشته باشیم، می‌توانیم در آن هیئت‌ها اعلام نظر کنیم. در حال حاضر، انجمن مالی اسلامی به عنوان نماینده برگزاری آزمون آوفا بوده، عضو محسوب نمی‌شود. اما اگر بتوانیم در این هیئت‌ها عضویت پیدا کنیم و به عنوان اعضای مؤثر حضور داشته باشیم، می‌توانیم این چهارچوب نظری را در کنار استانداردهای شریعت تنظیم کنیم و سپس به سمت حسابداری مطابق با شریعت برویم.

میثمی: خوشبختانه اخیراً یک اداره تخصصی در زمینه تدوین رویه‌های حسابداری و حسابرسی ذیل حوزه نظارت بانک مرکزی تشکیل شده است. در حال حاضر، بحثی در مورد تهیه یک صورت مالی برای مشارکت واقعی یا ایجاد یک چهارچوب حسابداری وجود دارد که نیاز به جمع‌بندی دارد و هنوز به نتیجه نرسیده است.

ابوالحسنی: حسابداری اسلامی به این سادگی نیست. حتی برای اینکه بتواند چیزی را ارائه دهد، دو اصطلاح را به آیت‌های حسابداری اضافه کرده و گفته که به نظر آوفا این اصلاح مشکل را حل می‌کند. اما نکته اصلی این است که حسابداری که به آن اشاره شده، از مبانی نظری و اقتصادی خاصی نشأت می‌گیرد. ما باید این مبانی را در نظر بگیریم و بر اساس آن کار کنیم. به عنوان مثال، ستونی که شما به عنوان دارایی بانک معرفی می‌کنید، در واقع دارایی بانک نیست. در اینجا باید مشخص کنیم که آیا این دارایی تحت تملک است یا خیر. همچنین، در مورد سپرده‌ها، باید بگوییم که بخشی از آن بدهی، بخشی تحت مدیریت و بخشی دیگر کنترل شده است.

شاید اکنون بتوانیم از منظر فقه امامیه به این موضوع ورود کنیم و بسیاری از مسائل را متحول نماییم. این کار نیازمند تلاش و پروژه‌ای علمی است و نمی‌توان تنها به ظرفیت اداره‌ها اتکا کرد. در این زمینه، افرادی هستند که می‌توانند آنچه را که ارائه می‌دهید به استانداردهای لازم تبدیل کنند. اما این کافی نیست. به نظر من، باید به گونه‌ای عمل کنیم که با اصول شرعی و همچنین، با اقتصادهایی مشابه ما سازگار باشد و در عین حال بالاترین اعتبار را با استانداردهای بین‌المللی داشته

باشد. چرا که اگر نتوانیم استانداردهای بین‌المللی را رعایت کنیم، مؤسسه شما که به دنبال همکاری با مؤسسات دیگر است، نمی‌تواند تسهیلات بگیرد یا تسهیلات بدهد. باید بررسی کنیم که تا چه حد می‌توانیم این موارد را از نظر شرعی و اقتصادی تطبیق دهیم و در کجا محتوای ما با هم تفاوت دارد. دو مثالی که در ابتدا ذکر کردم نشان‌دهنده اختلاف محتوایی ماست، اما ممکن است در جزئیاتی، مانند حقوق مالکانه، سود و زیان اختلافی نداشته باشیم. تنها در انتخاب آیتم‌ها ممکن است تفاوت نظر داشته باشیم.

بنده پیشنهاد می‌کنم که این موضوع به عنوان یک پروژه علمی با همکاری پژوهشکده پولی و بانکی مورد بررسی قرار گیرد. در این پروژه، هم حسابداران، هم افرادی که به مسائل شرعی پرداخته‌اند و هم اقتصاددانان باید همکاری کنند.

مصباحی مقدم: می‌توان بحث را به این صورت جمع‌بندی نمود که شورای فقهی ضمن تأکید بر اصل ضرورت ترجمه و بومی‌سازی استانداردهای آوفا ضرورت پیگیری آن در قالب یک طرح علمی را مورد تأکید قرار داد.